

# خوزستان تشنه نان، کار، آزادی ست و آب می خواهد آب را خون نکنیم!

امیر جواهری لنگرودی

تقدیم به مادرائی که فرزندانشان را بر سر نداشتن آب از دست دادند و با دستن خویش، پیکرهای خونین آنان را به خاک سپرده و بزرگوارانه ایستاده اند و می رزمند!

یکشنبه ۳ مرداد ۱۴۰۰ برابر با ۲۵ جولای ۲۰۲۱



خوزستان پسر عموی من است

از : بیژن نجدی

خوزستان پسر عموی من است

های، پسر عموی من!

صبحانه را میهمان قبیله‌ی من باش

آفتابی می‌رسد از راه

دخترانی از پشت این پرچین

و خون بهار

سبز می‌شود بر کف دست برگ

نخل‌های سوخته‌ی خرمشهر، پسر عموهای من اند

های، پسر عموهایم!

صبحانه را میهمان ما باشید

با نانی از من  
تکه‌ای از خاک لاهیجان  
با شیر، از سینه‌های صبح  
چای، از بوته‌ها و برگ  
آه،  
پسر عموهایم.

آب مایه حیات هر جامعه‌ای است. مشکل آب، امروز از اساسی‌ترین مشکلات اقتصاد کشاورزی و زیست محیطی ما است. آنچه تا حال دریافته‌ام، چند نظر برای مشکلات بی‌آبی و کم‌آبی و به‌عبارتی بحران آب خوزستان مطرح شده است. شاید رایج‌ترین آن نظرات را بتوان در چند نگاه زیر فشرده نمود که عبارتند از:

- ۱- خشکسالی و عدم مدیریت بهینه‌ی تخصیص و مدیریت آب در مناطق جنوبی ایران.
  - ۲- گروهی که تغییرات اقلیمی- آب و هوایی را علت اصلی ارزیابی و مهاجرت ساکنین به مناطق دیگر می‌دانند.
  - ۳- گروهی که علت را در سدسازی‌های بی‌رویه و انتقال آب حوزه‌ی آبخیزداری خوزستان به مناطق مرکزی و کویری جستجو می‌کنند.
  - ۴- کسانی که علت را در توسعه‌ی سرمایه‌دارانه - امنیتی دیده و راه حل را در توسعه‌ی پایدار بدون هزینه‌های زیست محیطی ارائه می‌کنند.
  - ۵- غارت آب و کالایی کردن آب و وجود مافیای آب و نقشه‌هایی که آنان برای سرکیسه کردن مردمان مناطق محروم و پُر پول نمودن جیب‌های گشاد خود به میان می‌کشند!
- مجموعه‌ی درهم تنیده‌ای از عوامل فوق‌محرور بررسی ما در یادداشت پیش‌روست.
- نخست اینکه: توسعه‌ی سرمایه‌دارانه‌ی بخش صنایع در مرکز ایران، دور از دسترسی دشمن احتمالی بعد از جنگ هشت ساله، پروژه‌ی همه‌ی دولت‌ها بوده است. در این میان میلیاردها دلار هزینه‌ی طرح‌های انتقال آب از سرشاخه‌های رودهای جاری در خوزستان به مناطق کویری یزد و مرکز برای مصارف صنایع آب‌بر، شده است. بر پایه‌ی چنین سیاست امنیتی به مناطق جنوب یا سیستان و بلوچستان و کردستان که در واقع ناشی از بی‌اعتمادی حکومت به مردم کشور است، همین حکومت برای دفاع از «عمق استراتژیک» اش، میلیاردها دلار در منطقه سرمایه‌گذاری کرده و طبق مصوبات عالی‌ترین نهاد امنیت

کشور سرمایه‌گذاری و توسعه در مناطق ملی را منع کرده‌اند. در حالی که چند صد میلیارد دلار هزینه‌ی پروژه‌های هسته‌ای نطنز و دیگر جاها می‌کنند تا کور کورانه برای تضمین بقای حاکمیت اسلامی زمان بخرند. حکومتی که مردم را در برابر آسیب گسترش کرونا، واکسینه نکرده، در برابر بحران بی‌آبی و فقر جامعه را به ستوه آورده؛ خود را دارنده‌ی اورانیوم و سازنده‌ی بمب و سلاح هسته‌ای می‌شمارد.

دوم: در بخش کشاورزی نیز سیاست تولید محصولات آب بر (تولید برنج، هندوانه، انواع سبزیجات) در بالا دست دشت فراخ خوزستان، مزید بر علت است. اما با وجود تمامی روایات انتقال آب به دبی، کویت و دیگر جاها، نمای زاینده رود در شهر اصفهان را بیشتر سال خشک و بی‌آبی می‌بینیم و این امر کشاورزان این منطقه را با مشکل حقایه رو به‌رو ساخته است.

سوم: تغییر جمعیت ساکن در جنوب کشور در راهبرد سیاسی؛ حاکمیت در نظر داشت ساکنین حاشیه‌ی رودها و تالاب‌های اصلی خوزستان را که عمدتاً دامداران و کشاورزان عرب زبان هستند، در نبود آب تحت فشار گذاشته تا اعراب ساکن این مناطق دست به مهاجرت خود خواسته بزنند و با تغییر ترکیب جمعیتی منطقه، چالش‌های ملی نیز به تدریج محو و بی‌خطر شود.

چهارم: سرانجام اینکه زمین‌های به جا مانده از مهاجرت یا کوچ اجباری ساکنین منطقه را برای طرح‌های عریض و طویل نفت و گاز و جابجایی آب و بهره‌گیری از آن، به تملک دولت و شرکت‌های معظم و پروژه‌های قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء که زیر نظر مافیای سپاه و امنیتی‌ها قرار دارد، واگذار کند که امروزه افشا شده بناست به ثمن بخش به چینی‌ها اجاره دهند. در این جابجایی جنون آمیز همه‌ی ارباب سلطه و قدرت در منطقه، از نمایندگان مجلس استان، امام جمعه، استانداری، فرمانداری، شورای امنیت استان و شهرستان و شهرداری‌ها، سپاه و بسیج، بخش خصوصی و تمامی دستگاه‌های اجرایی استان و شهرستان و مقامات و مسئولین در پیوند تنگاتنگ با حاکمیت اسلامی، نقش کلیدی دارند.

اولین کلنگ منطقه‌ی پارس جنوبی را همین قرارگاه خاتم الانبیاء زده است. آنگیزی که الان برای کل فازها مورد بهره برداری قرار می‌گیرد توسط قرارگاه خاتم الانبیاء ساخته شده و اولین پیمانکاری که وارد عسلویه و پارس جنوبی شده، قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. اینان در شرایط عمومی همان سه ضلع کارفرما، مشاور و پیمانکار در منطقه قرار دارند، به عبارتی در جایگاه پیمانکار هستند. یک نمونه امضای قراردادهای قرارگاه سازندگی سپاه با وزارت نفت از خط لوله‌ی سراسری هفتم گرفته تا حضور سپاه در عسلویه و امضای قرارداد بیش از ۲ میلیارد دلاری توسعه‌ی فازهای ۱۵

و ۱۶ پارس جنوبی است که جایگاه و نقش سپاه پاسداران را در پُرشمار پروژه‌های امنیتی‌ها نشان می‌دهد.

## بحران بی آبی :

با وجود هشدارهای مکرر فعالان محیط زیست طی سال‌های اخیر، با توجه به عمق بحران بی‌آبی همه جانبه‌ی استان خوزستان بر بستر چنین کشاکشی، وقوع یک «جنگ آب» تمام عیار دور از ذهن نبود. امسال با کمترین میزان بارش طی ۵ دهه‌ی اخیر، بالاخره آن روز مبدا از راه رسید. خوزستانی که کارون، دز، کرخه، زهره، مارون و بهمن‌شیر را دارد؛ در خوزستانی که یک‌سوم منابع آب سطحی ایران در آن جاری است، چرا باید مردم در چنین فلاکتی اسیر و گرفتار باشند؟

آیا هیچ از خود پرسیده‌ایم: چرا مردم در خراسان جنوبی به اندازه خوزستان از کمبود آب خشمگین نیستند؟ پاسخ این است که آنها درک می‌کنند که در خراسان آبی نیست که بخواهند توزیع کنند. اما در خوزستان چرا؟ پاسخ روشن است؛ در استان خوزستان به دلیل تخریب منابع ناشی از «عمق استراتژیک نظام» در بی‌مدیریتی تام و تمام، و سرکوب خیزش عظیم کارگران فولاد، نیشکر هفت تپه و هزاران هزار کارگر پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی و مردمان گرسنه و به فقر کشانده شده دیگر دلیلی برای سکوت و تحمل وضع موجود نمی‌بینند. کما اینکه رفته رفته با انعکاس هزاران هزار صفحه گزارش و خبر و انتشار عکس‌ها و فیلم‌های منتشره در سطح رسانه‌های خبری رسمی و شبکه‌های مجازی، گواه خشک شدن رودخانه‌ی کارون، زاینده رود، تالاب‌های هورالعظیم، بختگان، جازموریان و... و حتی سدهای دز، کرخه و در کنار دریاچه‌ی هامون - پیش از آن دریاچه‌ی ارومیه - تالاب بندر انزلی در استان گیلان و کم آبی سدها و مجاری آبی، شاهد به پا خواستن مردم تشنه‌ی جای جای کشور نیز در حمایت از اعتصابات و اعتراضات سراسری مردم خوزستان هستیم!

باید پرسید: چرا حاکمیت در این چند دهه برای مقابله با بحران کمبود آب در خوزستان، که پیش‌بینی شده بود، هیچ برنامه‌ریزی نکرده و نقشه عمل نداشت و کاری نکرد؟ حالا سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم معترف به «تنش آبی در استان» شده و با ژست تاریخ مصرف گذشته و مردم فریبانه‌ای حضور نیروهای سرکوبگر نظامی سپاه با تجهیزات جنگی در استان برای سرکوب مردم را به بهانه‌ی «پایش» توجیه می‌کند و می‌گوید: «تا پایان تنش آبی در منطقه می‌مانیم». حضوری که با ادعای کذب «کمک‌رسانی به هموطنان خوزستانی» در واقع سرکوب نظامی و سهمگین مردم تشنه و معترض را برای تأمین منافع خود به عنوان ابر پیمانکار استان که مشغول غارت منابع مردم است، هدف قرار داده است.

با توجه به آنچه آمد، باید گفت: شما سال‌هاست در منطقه هستید و آب و خاک مردم ما را اشغال کرده‌اید؛ از نخستین روزهای پیروزی انقلاب با سرکوب خونین مطالبات خلق عرب، فضای استان را امنیتی ساخته‌اید. آنانی که چشم به جنگ بین روستا و شهرستان یا استانی با استانی دیگر داشته و دارند و انتقال آب جنوب به نقاط مرکزی و کویری در طی این سال‌ها در دستور کار خود داشتند تا زنجیره‌های انسانی در طلب آب و سهم حقابه‌ها را فرو بریزند و مردم را در هنگامه‌ی تشنگی و کم‌آبی و از بین رفتن اقتصاد کشاورزی، به گلوله می‌بندند، همان مافیای قدرتمند آب‌اند که با مجوز شورای عالی امنیت پیمانکاری پروژه‌هایی را که منشاء فاجعه‌ی معیشتی و زیستی امروز مردم است بر عهده دارند.

در این میان کل حاکمیت اسلامی در کنار سه قوه‌ی موجود (مقننه، مجریه و قضاییه) تا به امروز هی‌چگاه، منطقه‌ی عظیم خوزستان را به مانند کشورهای: سوریه، لبنان، حماس، حزب الله، یمن، کویت و عراق و افغانستان، بخشی از «عمق استراتژیک» خود نشناخته، مانند سرزمینی غصب شده، تنها به غارت منابع آن پرداختند. آنان مردم و تمدن خوزستان و زندگی آنان را به هیچ می‌انگارند تا سامانه و شیرازه‌ی زندگی‌شان فرو ریزد و با مصیبتی همسو شود که امروز در صد‌ها گزارش و هزاران هزار عکس و فیلم می‌بینیم و پوست هر انسان آزاده‌ای را می‌ترکاند! شعار «انا عطشان» (من تشنه‌ام) فلاکت نظامی را نشان می‌دهد که به جای پاسخ‌گویی به آن، مرگ گاو‌میشان و خشکی تالاب‌ها و مرگ زود هنگام زنان و مردان و کودکان بی‌پناه، مشکل بی‌آبی خوزستان و سیستان و بلوچستان را می‌خواهد با نمایش گسیل تانکر آب و بطری آب معدنی سلبریتی‌هایی از جنس «نرگس کلباسی» و بنیاد خیریه‌ی «پریشان» ایشان، این ملیجکان مشاطه‌کار حکومت، مسکوت بگذارد.

گفته شده او با جمع‌آوری اعانه‌ای نزدیک به ۳ میلیارد از مردم دلسوز و هزینه کردن ۱۲۶ میلیون تومان برای ارسال به منطقه، تازه فهمید که آب در هاون می‌کوبد؛ بماند که توزیع چند ده هزار بطری پلاستیکی آب در یک مقطع زمانی کوتاه به جز تلی از پلاستیک و تشدید بحران زیست محیطی در خوزستان، ارمغان دیگری برای مردم تشنه آن سامان به همراه ندارد. تبلیغ و ترویج چنین اقداماتی مانند بازکردن موقتی تنمه‌ی آب پشت سدها، به موازات سرکوب و کشتار جوانان، در واقع پاک کردن صورت مسئله و تقلیل یک خواست بزرگ و حیاتی به موضوعی ساده است، تا شقاوت حاکمیت اسلامی را که به جای سیراب کردن، سرب داغ بر سر مردمان‌اش ریخته بیوشاند.

در عین حال باید توجه داشت اگر اینک در خوزستان با رخدادی به نام شورش آبی رو به‌رو شده‌ایم، سال‌هاست که ۷۰۰ روستای فاقد آب لوله‌کشی در آن با تانکر آبرسانی می‌شود، و همچنین در دیگر نقاط کشور به عنوان مثال در بروجن بیش از شصت روستا

را با تانکر آبرسانی می‌کنند و حتی در گیلان برای جبران کمبود آب شرب مردم، به قطع رویشگاه‌های جنگلی و ساخت سدهای بزرگ مخزنی روی آورده‌اند. پس این نه فقط به دلیل کمبود بارش که به دلیل نبود خرد، وجدان و فهم بوم‌شناختی در مدیریت آبی سرزمینی‌ست که دزدان، اختلاس‌گران، رانت‌خواران و آیت الله‌های جنگل‌خوار و زمین‌خوار و فاسد در کنار شبکه‌های عظیم مافیای مالی در آن حکومت کرده و به نام خدا، دین و دینداری؛ زندگانی مردم را به تباهی کشیده‌اند!

از همین روست که مردمان این سامان، به جز اقلیتی بی درد، جملگی در طلب آب و نان‌اند و کشاورزان مجبور به جابجایی موقعیت خود و گاومیش‌هایی که در تهمانده لجن‌های هورالعظیم دست و پا می‌زنند.

### چه می‌توان و باید کرد؟

اعتراضات مردم خوزستان به بی‌آبی طی هفته گذشته با اعتصابات سراسری کارگران پروژه ای و قراردادی و پیمانی پیمانی نفت و گاز و پتروشیمی در بیش از یکصد و چهارده مرکز صنعتی کشور گره خورده است.

این اعتراضات و اعتصابات نماد مبارزات امروز جامعه‌ی ایران علیه حکومتی است که سلب امنیت شغلی - ارتش میلیونی بیکاران - پیکره‌ی کارگران قراردادی را در کنار تشنگی، خشکسالی، محرومیت، بحران معیشتی و واکسینه نشدن جامعه در شرایط سخت گسترش کرونا در کنار صدها مشکل دیگر را به مردمان مان تحمیل کرده است.

در چنین وضعیت بحران سازی، محمود احمدی بی‌غش، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس از سازند هم در توییتی نوشت: «سر بسته می‌گویم، خیلی مراقب حوادث خوزستان باشید! بوی خون و توطئه صوری می‌آید. حتی شده تمام آب را بروی خوزستان باز کنید تا هم عطش را رفع کند هم آتش را خاموش کند...»

و یا موسوی جزایری عضو مجلس خبرگان به معترضان را اغتشاشگر نامید و گفت: «اینها ستون پنجم دشمن هستند و مجازات سنگینی در اسلام برای اینها هست».

باید به حضرات مسند نشین گفت: با این ترفندها نمی‌توان به نجات منطقه شتافت. «عطش» مردم و «آتش» شعله‌ور شده در خوزستان را نمی‌توان با اتهام‌های ناچسب و وعده و وعیدهای تکراری خاموش کرد!

عمق اعتراضات غلی‌رغم روانه‌سازی سخاوتمندانه بطری و تانکرهای آب، و باز کردن سد چند رود، نشان داد که نمی‌توان مردم سراسر استان خوزستان و زمین‌های بی‌آب و

علف و تالاب‌های خشک را از مرگ گاو‌میش‌های سوخته بدن نجات داد و یا سرکوبشان نمود.

حادثه‌ی موجود نشان داد مشکل مردم بی دفاع با دعا و نماز باران یا با غلبه‌ی تفکر سازه‌ای در یزد، اصفهان، خراسان، سمنان، خوزستان، کرمان، ارومیه، فارس، قم و... حل نخواهد شد؛ وقتی که بلد نیستیم از آب موجود به درستی استفاده کنیم؛ وقتی که ضایعات در بخش کشاورزی چند برابر حد استاندارد است؛ وقتی که با صادرات آب فکر می‌کنیم می‌شود پول پایدار تولید کرد؛ وقتی که عرضه‌ی ترمیم لوله‌های فرسوده‌ی شبکه‌ی شرب شهری را نداریم و سی‌درصد آب را به هدر می‌دهیم و وقتی هنوز به بیست‌درصد اهداف برنامه‌های پنج‌ساله‌ی چهارم تا ششم نرسیده و اغلب شهرهای ما فاقد تصفیه‌خانه و توان بازچرخانی آب هستند، وضع بر همین منوال خواهد بود.

این گونه اظهار نظرات و نسخه پیچی‌های نخ نما، زمینه سازی برای دخالت نیروهای امنیتی، لباس شخصی، بسیجی و قوای ضد شورش و سرکوب مردم معترض به عنوان «اغتشاشگر» و «مزدور بیگانه» و «اشرار» است که تا به امروز به قتل (دستکم هشت تن) جوانان و دستگیری تعداد وسیعی از آنان و بازداشت‌اشان در جاهای نامعلوم و قطع اینترنت در شهرهای درگیر اعتراض و کانون‌های رویارویی در خوزستان انجامیده. همچنین داستان‌سازی‌های دروغین و تحریف آمیز و نسبت دادن جنایت‌های مأموران حکومت به «عوامل بیگانه» و «اشرار» و «تجزیه طلب» از دیگر اقدامات تکراری و ناکارآمد تبلیغاتی حکومت سرکوبگر است. این ترفندها در برابر شعار: «آذربایجان، عرب و فارس، اتحاد و اتحاد» اوج رسوایی نظامی را نشان می‌دهد که طی بیش از چهاردهه به ترفند به جان هم انداختن ملیت‌ها مشغول است!

اینک که مردم گرسنه و تشنه به سهم خویش به پا خاسته‌اند و طی بیش از یازده روز مبارزه‌ی خونبار، به اعتراض خود ادامه می‌دهند، استان شهرها و روستاهای دیگری نیز درگیر این جنگ و گریز گریلایی‌اند؛ مردم لرستان، ایلام و الیگودرز و بختیاری‌های شریف با مردم خوزستان همصدا شدند و فریاد می‌زنند: «خوزستان تنها نیست».

پیکره‌ی وسیع استان آذربایجان در شهرهای تبریز، اردبیل، زنجان، مشکین شهر، مرند و ارومیه به پشتیبانی و دفاع همه‌جانبه از مردم تشنه خوزستان بر آمدند و شعار «اتحاد» سر می‌دهند. و چند روزی‌ست همصدایی مردم در رباط کریم تهران، در شهرک گلستان تهران، در شهریار کرج، قلعه حسن خان، جاده ساوه، در رشت (با شعار نویسی)، بجنورد و صداها‌ی اعتراضاتی در پُر شمار نقاط کشور به گوش می‌رسد. امروز حاکمیت اسلامی چنان از به پا خاستن خوزستان و حمایت لرستان، آذربایجان و احتمال گسترش این حمایت‌ها به استان‌های دیگر به وحشت افتاده که آخرین تیر در ترکش خود را با گشودن

اندک آب باقی مانده‌ی پشت سدها، رها کرده است. چنان‌که اشاره شد، رویکرد تعویق بحران به جای حل آن که شکل اصلی نظام مدیریتی ناپایدار جمهوری اسلامی است، در مسیر ظرفیت‌سوزی به ایستگاه آخر رسیده است.

جرقه‌ی آتش اعتراضات سراسری امروز، با مسئله بی‌آبی زده شد و خیلی سریع جایگاه سیاسی خود را در مقابله با تمامیت حکومت جمهوری اسلامی تعریف کرد. مردم شهرها و روستاهای مختلف خوزستان به میدان آمدند تا به حکومتی که همه‌ی اسباب معاش و پایه‌ای‌ترین ملزومات زندگی را از آنها سلب کرده است اعتراض کنند؛ اعتراضی که ماه‌های دی ۹۶ و آبان ۹۸ را در تیر و مرداد ۱۴۰۰ در اذهان عمومی جامعه و جهان تداعی می‌کند.

جامعه‌ی امروز ما آبتن یک تغییر اساسی و ریشه‌ای در برابر دو ویروس است؛ ویروس چهل و دو ساله‌ی نظام اسلامی و هیولای مرگبار کرونای جان سخت و جامعه‌ای خواستار تغییر، این مبارزه‌ی طبقاتی را در برابر کلیت نظام رسوا نمایندگی می‌کنند. باید تمام جامعه را به حضور فعالانه، تقویت و سازمان‌یابی تشکل‌ها و جمع‌های اعتراضی و هسته‌های محلات در سطح شهرها و تجمعات به منظور اعتراضات سراسری برای پایان دادن به وضعیت موجود فرا خوانیم.

امروز همچون دیروز، گره خوردن سراسری و سازمان‌یافته‌ی اعتراضات زنان، کارگران، بازنشستگان، معلمان، دانش‌آموزان و دانشجویان، کارورزان اندیشه و قلم، روستائیان زحمتکش، نیروی عظیم و میلیونی بیکاران و توده‌ی زحمتکش حاشیه‌نشین پیرامون استان‌ها و شهرستان‌های بزرگ، برای مقابله با خشونت افسارگسیخته و تحلیل قوای بدنه‌ی نیروهای سرکوب می‌تواند بسیار مؤثر باشد. باید فریاد بر آورد: پاسخ تشنگی زحمتکشان ما گلوله نیست بلکه گستردگی جبهه اتحاد و یگانی و همبستگی مردمان ما و سراسری نمودن این اعتراضات در همبستگی با مردم زحمتش خوزستان و اعتراضات و اعتصابات مردم و کارگران پروژه ای نفتگران و کارگران هیفت تپه است که همچنان در اعتصاب و اعتراض اند!

با توجه به قطع و محدود سازی دسترسی به اینترنت و تلفن و در غیاب رسانه‌های مستقل و آزاد درون کشور، امر اطلاع رسانی را می‌باید در سطح خارج از کشور به گسترده‌ترین شکل به درون جامعه میزبان برد و بر پراکندگی‌ها فائق آمد و سازماندهی اعتراضات را به شکل وسیع‌تری در دستور کار داشت!



باید در خارج از مرزها، فرصت‌های اعتراض به جوانب مختلف سیاست‌های حاکمیت و سرنیزه‌ی سرکوبگران را در هم شکست و به دفاع از عموم مردم کشورمان به خیابان آمد و به اطلاع رسانی رسانه‌ای کمک نمود!